

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور مرکز مشهد
دانشکده الهیات

پایان نامه

برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد

رشته الهیات

گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:

بررسی تطبیقی رشوه از دیدگاه فقه شیعه وقوانین موضوعه ایران

حسن نیری

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر زهرا گواهی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر محمد بهروزیه

شهریور ۱۳۹۴

۱۳۲۱، ۲۴۷۴۴
۹۴، ۱۱، ۱۱

تاریخ:
شماره:
پوست:



دانشگاه پیام نور تهران
مرکز
استان

جمهوری اسلامی ایران
دانشگاه علوم و فنون مخابرات و فناوری

صورت جلسه مجمع از پایان نامه کارشناسی ارشد

آقای احاتم حسین ثیری

دانشجوی رشته الهیات گرایش فقه و معارف حقوق اسلامی

به شماره دانشجویی ۹۰۹۷۳۳۹۵۵

تحت عنوان:

« بررسی تطبیقی روش‌های دیوانه فقه شیعه و قوانین موضوعه ایران »

جلسه دفاع پایان نامه کارشناسی ارشد نامبرده با حضور هیات داوران در مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۱ ساعت ۱۰ در محل مرکز مشهد برگزار و پس از ارزیابی پایان نامه مذکور به شرح زیر ارزیابی گردید.

نمره نهایی	دستاوردهای پژوهشی *	دفاع بر مبنای ۱۹	به عدد
۱۲	—	۱۶۱-	به عدد
۳۰	—	۳۰ نمره	به حروف
	درجه ارزشیابی حرف		

امضاء	محل خدمت	مرتبۀ دانشگاهی	نام و نام خانوادگی	هیات داوران
	دانشگاه پیام نور مشهد	استادیار	خانم دکتر گواهی	استاد راهنما
	دانشگاه پیام نور مشهد	استادیار	آقای دکتر بهروز به	استاد مشاور
	دانشگاه پیام نور مشهد	استادیار	آقای دکتر هاشمی	استاد داور
	دانشگاه پیام نور مشهد	استادیار	خانم دکتر امینی	نایبند، تسهیلات نامی

نمره نامبرده بر اساس پیشنهادها و دستورالعمل‌های مربوط به دستاوردهای پژوهشی مستخرج محاسبه و در تاریخ نهایی شده است.

نام و اعضای کارشناس پژوهشی مرکز مشهد

* آدرس دستاوردهای پژوهشی بر مبنای مقررات از دفاع امین شده و توسط کارشناس پژوهشی محاسبه و نمره نهایی اعلام می‌گردد.

مشهد: بولوار معلم - معلم ۷۱ - صندوق پستی ۹۱۷۳۵ - ۲۲۳

نشانی الکترونیک: info@pnu.ac.ir

تلفن: ۰۵۱۱-۸۶۸۳۹۰۰ (۲۰ خط) | شماره: ۰۵۱۱-۸۶۸۳۰۰۱ | شماره دبیرخانه: داخلی ۵۷۹

پیوست ۶ (گواهی اصالت، نشر و حقوق مادی و معنوی اثر)

اینجانب ^ص ~~حسن~~ ^ز دانشجوی ورودی سال ۹۰ مقطع کارشناسی ارشد رشته ~~فقه~~ ^{حقوق} گواهی می نمایم چنانچه در پایان نامه خود از فکر، ایده و نوشته دیگری بهره گرفته ام با نقل قول مستقیم یا غیر مستقیم منبع و ماخذ آن را نیز در جای مناسب ذکر کرده ام. بدیهی است مسئولیت تمامی مطالبی که نقل قول دیگران نباشد بر عهده خویش می دانم و جوابگوی آن خواهم بود. دانشجو تأیید می نماید که مطالب مندرج در این پایان نامه (رساله) نتیجه تحقیقات خودش می باشد و در صورت استفاده از نتایج دیگران مرجع آن را ذکر نموده است.

نام و نام خانوادگی دانشجو

تاریخ و امضاء ^ص ۸۵/۳/۱۹

اینجانب ^ص ~~حسن~~ ^ز دانشجوی ورودی سال ۹۰ مقطع کارشناسی ارشد رشته ~~فقه~~ ^{حقوق} گواهی می نمایم چنانچه براساس مطالب پایان نامه خود اقدام به انتشار مقاله، کتاب، و ... نمایم ضمن مطلع نمودن استاد راهنما، با نظر ایشان نسبت به نشر مقاله، کتاب، و ... در صورت مشترک و با ذکر نام استاد راهنما مبادرت نمایم.

ام و نام خانوادگی دانشجو

تاریخ و امضاء ^ص ۸۵/۳/۱۹

کلیه حقوق مادی مرتب از نتایج مطالعات، آزمایشات و نوآوری ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه متعلق به دانشگاه پیام نور می باشد.

ماه و سال ۸۵/۳/۱۹

تقدیر و تشکر

به نام اولین معلم او که در اولین کلام گفت بخوان.

چه می توان نوشت که کلمات همیشه کم می آورند در مقامی که مولای متقیان فرمود: «مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا»، پس به مصداق این سخن شریف آنچه را در کلام نمی گنجد از دل می نویسم:

اساتید گرامی

با همه عظمت و مقامتان و همه کوتاهی مرتبه ام در برابر شما قدردان زحمات هستم و دعا می کنم آنچه را که من از جبرانش عاجزم و در ظرف زمان و مکان نمی گنجد، قادر مطلق در هر دو جهان برایتان به ارمغان آورد.

صمیمانه قدردانی می کنم:

از تلاش ها و مهربانی های بی دریغ و مساعدات بی منت همسر خوبم، که وجودش آرامش بخش وجودم است.

از پدر و مادر مهربانم، که وجودشان مایه برکت و دعای خیرشان همواره بدرقه راه من است.

از خداوند متعال فرجام خیر همگان را خواهانم.

"یا ایها الغریر منا واهلنا الضر وبتنا بضعاء مرجاه فاوف لنا الکیل وصدق علینا ان الله یجزی المتصدقین"

یوسف ۸۷

فردا را چگونه می توان دید؟!

فردایی که امروزش همه غوغاست ، فردایی که امروزش را از عمق افکار خسته مردم میبینم . کجاست یک دل آرام ؟ و کجاست آرام بخش دل ها ؟ نمی دانم بر سر کلاس کدامین مربی راه وصلت را بیاموزم؟! یا صاحب الزمان ! نمی دانم دلم را به کدامین عقل بسپارم؟! این ناچیز را تقدیمت می کنم باشد تا با کرامتت بپذیری و دم رحمانیت را بر دلم بدمی. تقدیم به مصلح جهان ، ناب ترین مفسر قرآن کریم ، عدالت مجسم الهی و قبضه دار ذوالفقار حیدری، باشد که مرهمی بر زخم های بیشمار دلش، در ایام سقیفه نشینی باشد.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات	۲
۱-۱- تبیین موضوع:	۳
۲-۱- تعریف مسئله و بیان سوالهای اصلی:	۳
۳-۱- پیشینه تحقیق:	۴
۴-۱- فرضیه های پژوهش :	۴
۵-۱- اهداف :	۵
۶-۱- روش تحقیق:	۵
فصل دوم: واژه شناسی و ادله حرمت رشوه	۶
۱-۲- بخش اول: معنای لغوی رشوه:	۷
۲-۲- بخش دوم: معنای اصطلاحی رشوه :	۸
۳-۲- بخش سوم: ادله حرمت رشوه	۱۰
۱-۳-۲- گفتار اول: کتاب	۱۰
۲-۳-۲- گفتار دوم: سنت	۱۲
۳-۳-۲- گفتار سوم: اجماع	۱۳
۴-۳-۲- گفتار چهارم: عقل	۱۴
فصل سوم: عناصر تشکیل دهنده و انواع و اقسام رشوه	۱۶
۱-۳- بخش اول: عناصر تشکیل دهنده جرم رشوه	۱۷
۱-۱-۳- گفتار اول: مقدمه	۱۷
۲-۱-۳- گفتار دوم: عنصر مادی	۱۷
۳-۱-۳- گفتار سوم: عنصر معنوی	۱۹
۴-۱-۳- گفتار چهارم: عنصر قانونی	۲۰
۵-۱-۳- بخش دوم: انواع و اقسام رشوه	۲۲
۶-۱-۳- گفتار اول: رشوه در قضاوت	۲۲
۷-۱-۳- گفتار دوم: رشوه در غیر قضاوت	۲۳

- ۳-۱-۸- گفتار سوم : رشوه مجازی ۲۵
- ۳-۱-۹- گفتار چهارم: وجه نقد ۲۵
- ۳-۱-۱۰- گفتار پنجم: چک ۲۶
- ۳-۱-۱۱- گفتار ششم: بیع محاباتی ۲۶
- ۳-۱-۱۲- گفتار هفتم: هدیه ۲۷
- ۳-۱-۱۳- گفتار هشتم: پورسانت ۲۸
- ۳-۱-۱۴- گفتار نهم: جعل و اجرت ۲۹
- ۳-۱-۱۵- گفتار دهم: زیرمیزی پزشکان ۳۱
- ۳-۱-۱۶- گفتار یازدهم: رشوه غیرمالی ۳۴
- فصل چهارم: بررسی مجازات رشوه ۳۶
- ۴-۱- بخش اول: مجازات راشی ۳۹
- ۴-۱-۱- گفتار اول: مقدمه ۳۹
- ۴-۱-۲- گفتار دوم: مال الرشا ۴۰
- ۴-۱-۳- گفتار سوم: مجازات راشی و بیان اختلافات ۴۱
- ۴-۲- بخش دوم : مجازات مرتشی ۴۵
- ۴-۲-۱- گفتار اول: مقدمه ۴۵
- ۴-۲-۲- گفتار دوم: بررسی مفصل ماده ۴ قانون تشدید ۴۶
- ۴-۲-۳- گفتار سوم: گذری کوتاه بر مراجع صالح رسیدگی به جرم رشوه ۴۸
- ۴-۲-۴- گفتار چهارم : جمع بندی نکات موجود در ماده ۴ قانون تشدید ۴۹
- فصل پنجم: دلایل شیوع و آثار پدیده رشوه و ارائه راهکار مبارزه با آن ۵۱
- ۵-۱- مقدمه: ۵۲
- ۵-۲- بخش اول) دلایل و آثار فردی واجتماعی رشوه ۵۳
- ۵-۲-۱- گفتار اول: دلایل رواج پدیده رشوه: ۵۳
- ۵-۲-۲- گفتار دوم: آثار فردی ۵۴
- ۵-۲-۳- گفتار سوم: آثار اجتماعی ۵۶

- ۳-۵- بخش دوم:ارائه راهکار مبارزه با رشوه و نتیجه گیری ۵۷
- ۳-۵-۱- گفتار اول : ارائه راهکار مبارزه با رشوه ۵۷
- ۳-۵-۲- گفتار دوم: نتیجه گیری و پیشنهاد ۵۸
- ۳-۵-۴- فهرست منابع ۶۰

چکیده:

این پایان نامه با موضوع «بررسی تطبیقی رشوه از دیدگاه فقه شیعه و قوانین موضوعه ایران» در ۵ فصل گردآوری شده است که سعی نموده ام در آن به تبیین این موضوع و مفصلاً به بررسی آن بپردازم. در ابتدا و در فصل اول کلیات تحقیق آورده شده است مباحثی مانند تبیین موضوع، پیشینه اهداف و ... در فصل دوم که با عنوان واژه شناسی و ادله حرمت رشوه نامگذاری شده است، واژگان اصلی مربوط به «رشوه» را، که شناخت معانی آن ها به فهم درست موضوع مورد بررسی کمک می کند با مراجعه به کتب لغت و روایات و ... معنا نمودم، هم چنین به دلایل حرمت این بزه ذیل ۴ عنوان آیات و روایات، اجماع و عقل پرداختم و مشخص گردید که حرمت رشوه از احکام امضایی دین اسلام است. در فصل سوم نیز به عناصر تشکیل دهنده جرم رشوه را مورد کنکاش قرار دادم و توضیحاتی را پیرامون ۳ عنصر آن (قانونی، مادی و معنوی) ارائه نمودم هم چنین با توجه به گستردگی جرم رشوه و هم چنین سوءاستفاده از عناوین دیگر جهت صحیح جلوه دادن عمل خویش، به انواع و اشکال رشوه اشاره نمودم. در فصل چهارم بررسی مجازات رشوه را انتخاب و نهایتاً در فصل آخر دلایل و آثار پدیده رشوه و ارائه راهکار مبارزه با آن را بیان نمودم و آسیب های آن را مورد بررسی قرار داده ام.

کلید واژه: فقه شیعه، رشوه، حرمت، عدالت

فصل اول

کلیات

۱-۱- تبیین موضوع:

رشوه یکی از جرائمی است که می توان گفت از سالهای دور به عنوان یک تهدید جدی بر جامعه انسانی سایه افکنده است. گاه آموزش و تربیت ناصحیح در دوران کودکی و هم چنین هدایت نادرست در نوجوانی و جوانی، فرد را به تدریج دچار این بزه می کند. بزه رشوه را اقتصاددانان و عالمان اجتماع یکی از عوامل سقوط و انحطاط جامعه می دانند چراکه شاکله ی ملت و زندگی انسان ها را از هم می پاشاند و بدبینی و فساد و تبعیض و ظلم را رواج می دهد. گاه رشوه فضا را برای رشد انسان های سالم و درست تنگ می کند و آنان را که با صداقت و عدالت عمل می کنند را به حاشیه می کشاند. فی الذاته هر انسانی از بی عدالتی و ظلم ناراحت است پس رشوه نیز هم از نظر اخلاقی و عرفی و هم از نظر فقهی و عقل شاخص و کامل یعنی اسلام امری ناپسند شمرده می شود. در دین اسلام به این امر اشاره شده است و با اینکه وجدان هر آدمی زشت بودن آن را درک می کند، اما اسلام دلایل بدی آن را در موقعیت های مختلف برمی شمارد. این معضل که هم منشاء اجتماعی و اخلاقی و هم اقتصادی دارد بستر لازم را برای بروز دیگر مفاسد هم چون تجاوز، اختلاس و دزدی، ربا خواری و... را مهیا می سازد. حال با این مقدمه ابتدا لازم است معنای لغوی و اصطلاحی رشوه را با هم مرور کنیم تا در آینده نزدیک به مباحث اصلی آن برسیم.

۱-۲- تعریف مسئله و بیان سؤالات اصلی:

پیدایش مفاسد قدمتی به درازای جامعه بشری دارد و رابطه آن با توسعه نظام اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... مستقیم است. تا جایی که پیدایش و گسترش آن می تواند موجب اختلال در نظام یک کشور شود. در یک نظام اداری فاسد، کارمندان از موقعیت و جایگاه خود سوء استفاده می کنند و با شغل خود به تجارت می پردازند که این امر علاوه بر آسیب زدن به توسعه نظام اقتصادی مانع تحقق عدالت اجتماعی نیز می شود؛ مسئله رشوه دهی و رشوه گیری در اسلام به شدت منع شده است و قبح آن همواره در متون فقهی و اخلاقی بیان گردیده و از گناهان کبیره، شمرده می شود. رشوه ارتباط مستقیم با حرام خواری را در خود جای داده است پس به طور قطع در اخلاقیات فرد و جامعه اثر گذاشته و باعث فساد و سقوط این دو مهم می گردد،

- ۱- چه عواملی باعث پیدایش رشوه در جامعه می شود؟
- ۲- آیا رشوه باعث مفاسد دیگر هم چون سرقت، ربا و... نیز می گردد؟
- ۳- آیا در فقه شیعی ابعاد ماهیت رشوه به طور مشخص بیان و مجازات آن اعلام شده است؟
- ۴- کدامیک از فقیهان شیعه به بیان ابعاد فعالیت های اقتصادی حرام پرداخته اند؟
- ۵- مطابقت قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران با فقه شیعی پیرامون فعالیت های اقتصادی حرام به اندازه است؟
- ۶- آیا دریافت هدیه و پورسانت از مصادیق رشوه است؟
- ۷- حد و مرز و معیار اعمال برای آنکه از مصادیق جرم رشوه بشمار نروند چیست؟
- ۸- لغو مجوز طبابت پزشکان مجرم در بار سوم تا چه مقدار با فقه شیعی منطبق است؟

۹- آیا برای مواردی از جمله اعطای وام، تخفیف و... در فقه و حقوق موضوعه پیش بینی لازم شده است؟

۱-۳- پیشینه تحقیق:

رشوه جزء جرائمی است که به آن ها بسیار پرداخته شده اما به گواه منتقدان و صاحب نظران تعریف و توضیح دقیق و منسجمی از آنها ارائه نشده است؛ در این نوشته از دیدگاه فقه شیعه و با توجه به نظر اکثر فقیهان به این مسئله پرداخته شده است و از طرفی دیگر از نگاه قوانین و حقوق داخلی این قضیه را مورد بررسی قرار داده ام. علما و فقیهان شیعی و مراجع تقلید و همه صاحب نظران و نویسندگان در حوزه فقه اسلامی هر کدام از دید و نظر خویش به این مهم پرداخته اند. آنچه که مشخص است این است که بعضی نگاشته های سابق ایشان یا شامل تمامی ابعاد موضوع نبوده است، یا بررسی همزمان دو منبع فقه و قانون موضوعه مورد توجه واقع نشده است. با این توضیحات در کتب فقهی و تفسیری مختلفی مانند جواهر الکلام (نجفی)، مجمع البیان (طبرسی)، وسایل الشیعه (حرعاملی)، استبصار (شیخ طوسی) و... سخن از موضوع مذکور به میان آمده است. هم چنین بعضی از نویسندگان معاصر نیز به بیانات مختلف به این موضوع پرداخته اند: حضرت امام خمینی (ره) تحریر الوسیله، حسین محمد صادقی (جرائم علیه اموال و مالکیت)، رحمت الله سعیدی (تسلیم چک به عنوان رشوه)، آیت الله خویی (ره)، باقر شریف و...

۱-۴- فرضیه های پژوهش :

- ۱- پیدایش رشوه به ضعف اعتقادات و بنیه های اسلامی فرد مربوط است.
- ۲- بیان مصادیق افعال حرام و حلال از موضوعات اصلی فقه شیعی است.
- ۳- قوانین موضوعه در ایران مطابق فقه شیعی تدوین شده است.
- ۴- فقها در باب موضوعات مستحدثه در حوزه رشوه که نیاز به فن اجتهاد و کشف نظر شارع دارد ورود کرده اند و پیرو آن قوانین موضوعه نیز تصویب شده است.
- ۵- قطع شدن رابطه مالی کارمندان با مراجعین (مانند وزارت بهداشت، سازمان اوقاف و امور خیریه، تعزیرات) می تواند گام مهمی در راستای حذف پدیده رشوه در نظام اداری شود.
- ۶- کم یا زیاد بودن هدیه، تخفیف، پورسانت و... نباید هیچگونه تغییری در جرم دانستن آن عمل ایجاد کند.
- ۷- انفصال از خدمت برای کارمندان مجرم با آموزه های فقهی ما منطبق است.
- ۸- پدیده رشوه می تواند به وسیله وجوه نقدی، اموال منقول و غیر منقول و امتیازهای مختلف رخ دهد.
- ۹- درخواست وجه و مال و... چه از سوی کارمند باشد و چه نباشد جرم رشوه محقق شده است.
- ۱۰- اضطراب رشوه دهنده نباید باعث رفع مجازات از ایشان شود.

۱-۵- اهداف :

- ۱- بیان مصادیق رشوه در جامعه ی کنونی
- ۲- بیان مبانی فقهی قوانین موضوعه ی ایران و مجازات های در نظر گرفته شده
- ۳- آشنایی با راهکارهای جلوگیری از رشوه

۱-۶- روش تحقیق:

کتابخانه ای (مطالعه و بررسی کتب، یادداشت برداری از کتب و سایت های اینترنتی، مطالعه پایان نامه ها و مقالات مختلف

فصل دوم

واژه‌شناسی و ادله حرمت رشوه

۲-۱- بخش اول: معنای لغوی رشوه:

یکی از مسائلی که در هر رساله و نوشته ای از اهمیت ویژه ای برخوردار است و بررسی کامل آن را می طلبد، تعیین معنا و مفهوم موضوع بحث است که گاهاً دیده می شود که اگر معنای آن به درستی درک شود احکام آن نیز وجه ارتباط خود را پیدا خواهند کرد و البته در صورت بروز تفاوت در معنا، سیر مطالعاتی آینده نیز تحت تاثیر قرار گرفته و اختلافاتی ایجاد می شود. حال به موضوع بحث می پردازیم:

همانطور که می دانیم رشوه لفظی عربی و از ریشه « ر ش و » گرفته شده است. در زبان عربی واژه « رشوه » با هر سه حرکت کوتاه می خوانند. آنچه در کتاب اقرب الموارد در توضیح « رشو » بیان شده است که: « الرشوه مثله » (شرتونی، سعید، ۱۸۸۹م، ج ۱، ص ۴۰۷) و مثله بیانگر کاربرد حرکات سه گانه در لغت رشوه می باشد. در معنی آن نیز ذکر می شود که: « ما يعطى لابطال حق او احقاق باطل » (صفی پوری، عبدالرحیم بن عبدالکریم، ۱۳۹۲ ش، ج ۲، ص ۴۵۱) و معنی عبارت ذکر شده این است: چیزی را به یکی بدهند تا حقی را باطل و باطلی را حق جلوه دهند. از این معنی بعضی از فقها کمک گرفته اند و حکم رشوه را در ادامه بیان داشته اند به طور مثال در کتاب مسالک پنین آمده است: « اتفق المسلمون على تحريم الرشوه على القاضي و العامل » (عاملی الجبعی، زین الدین بن علی، شهید ثانی ۱۳۶۳ ش، ج ۱۳، ص ۴۱۹) و معنای آن این است که همه مسلمین بر حرمت رشوه هم بر قاضی و هم کارمند اعتقاد و اتفاق نظر دارند.

اهل لغت نظرات مختلفی و به اشکال گوناگونی به رشوه پرداخته اند که به چند مورد از آنان اشاره می شود:

- چیزی است که انسان برای ابطال حق یا احقاق باطل می پردازد (زبیدی، محمد بن محمد، ۱۳۷۷ ش، ج ۱۰، ص ۵۰ و بستانی، بطرس، ۱۹۰۰م، ج ۸، ص ۶۰۴)
- ابن اثیر رشوه را این چنین بیان می کند: رسیدن به خواسته از راه غیر قانونی (ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷ ش، ج ۲، ص ۲۲۶)

در فرهنگ معین می خوانیم: چیزی است که برای انجام مقصود به کسی داده می شود (معین، محمد، ۱۳۵۸ ش، ج ۲، ص ۱۶۵۸) یکی از معانی رشوه که کاربرد بیشتری دارد تعبیر آن به « ریسمان » است. ریسمان دلو که در اقرب الموارد ذکر شده است (شرتونی، سعید، ۱۸۸۹م، ج ۱، ص ۴۰۷). ریسمان چاه (ثعالبی، عبدالملک بن محمد، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۵۹) در فقه اللغه بیان شده است و ریسمان بلند (احمد بن فارس، ۱۹۹۱م، ج ۲، ص ۲۲۶) در معجم مقاییس اللغه آمده است. تناسب رشوه با ریسمان در این است که ریسمان آب را از چاه بیرون می آورد و ریسمان نقش وسیله را ایفا می کند و همانطور که می دانیم به وسیله رشوه نیز به مطلوب می رسیم و برای خواسته ها چاره جویی می شود. (ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷ ش، ج ۲، ص ۲۲۶)

- گاه رشوه به معنای کود و خاشاک نیز به کار می رود (دهخدا، علی اکبر، ۱۳۲۵ ش، ص ۴۶۳، عمید، حسن، ۱۳۸۹ ش، ج ۱، ص ۵۲۹) و وجه تسمیه آن نیز این است که همانطور که کشاورزان بر زمین کود می پاشند و با آن زمین را برای زراعت آماده می کنند مرتشی هم با اخذ رشوه برای عمل نامشروع آماده می شود و می تواند خواسته راشی را برآورده سازد.

- آنطور که متوجه شدیم مرتشی و راشی یعنی کسی که رشوه می گیرد و رشوه می دهد. در اینجا به دیگر مشتقات کلمه رشوه اشاره می کنیم:
 راشی: اسم فاعل به معنی رشوه دهنده (ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، ج ۵ ص ۲۲۳)
 مرتشی: اسم فاعل به معنی رشوه گیرنده (ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷ش، ج ۲ ص ۲۲۶)
 ارتشاء: مصدر بابا افتعال است یعنی رشوه دادن (طریحی، فخرالدین محمد، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۱۸۴)
 استرشاء: مصدر باب استفعال است یعنی رشوه خواستن (شرتونی، سعید، ۱۸۸۹م، ج ۳، ص ۱۹۰)
 رایش: اسم فاعل از ماده «ریش» به واسطه گفته می شود که تلاش می کند بین رشوه دهنده و گیرنده توافق حاصل شود. (محمد بن منظور، ۱۹۹۷م، ج ۵ ص ۲۲۳ و ۳۸۹)
- در معجم الوسیط آمده است «ما یعطی اقتضاء مصلحه او ما یعطی لاحقاق باطل و او ابطال حق» (انیس، ابراهیم، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۳۴۸) آنچه به خاطر مصلحت برای قضاوت داده می شود یا آنچه برای حق نمایاندن باطلی و باطل نمودن حقی داده می شود. هم چنین آمده است: «ترشاه لاینه کما یمنع الحکام بالرشوه» با او مدارا کرده چنانکه با رشوه دادن حاکم کنار می آید.
- «الرشوه الوصله الی الحاجه بالمصانعه»، رشوه عبارت است از رسیدن به هدف با سازش و تبانی (ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۵۵۲)
- خوب است بدانیم در زبان انگلیسی Bribery به معنای رشوه است و معانی آن این است: مبلغی که کارگر به کارفرما یا سرپرست خود می دهد تا منافعتش حفظ شود. (حییم، فرهنگ فارسی به انگلیسی، ص ۳۰۷)

۲-۲- بخش دوم: معنای اصطلاحی رشوه:

علما و بزرگان در بیان معنای اصطلاحی رشوه نیز نظریات مختلفی را بیان نموده اند و از طرفی می دانیم که فقها در تعریف این الفاظ و بیان احکام به اهل لغت مراجعه می کنند پس دور از واقعیت نیست که بگوییم منشا بسیاری از اختلافات موجود در احکام، به تعاریف علمای اهل لغت بر می گردد. در حد توان و به اندازه رفع نیاز به معنای لغوی رشوه اشاره شد، حال می خواهیم مفهوم رشوه را مورد بررسی قرار دهیم و باید بدانیم که قرابت این دو حوزه (لغوی و اصطلاحی) بسیار مشهود است. شاید بتوان گفت که فقها و حقوقدانان از معنای لغوی رشوه بسیار استمداد طلبیده اند.

در عرف فقها با توجه به تعاریف و معانی که به عمل آمده اکثر ایشانشان رشوه را در مقام قضاوت و حکم قاضی تعبیر کرده اند، همانند محقق حلی که در کتابش آورده است: «الرشا سوا حکم اباذله او علیه بحق و او باطل» که در این عبارت آنچه به ذهن خطور می کند آن است که رشوه صرفاً در امر قضاوت و داوری است (نجفی، محمدحسن بن باقر، ۱۳۶۲ش، ج ۲۲، ص ۱۴۵). در جایی دیگر می خوانیم: «هی ما یعطی للحکم حقاً و باطلاً» (حسینی عاملی، محمدجواد بن محمد، ج ۸، ص ۱۵۹) کلمه للحکم در عبارت پیشین نیز این مطلب رامی رساند که رشوه تنها شامل حکم قاضی است و بر دیگران (کارگزاران و کارمندان) جاری نمی شود. نظر شهید ثانی نیز این چنین است: «و هو

اخذ الحاكم مالا لاجل الحكم» (عاملی شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۳۱) که در این عبارت رشوه در غیر از قاضی صادق نمی باشد. البته عدالت را نیز رعایت کنیم و بگوییم که ایشان در جایی دیگر معنای رشوه را توسعه داده اند و علاوه بر حکم، عامل مسلمین را نیز به بحث کشانده است (عاملی شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۹۳)

برخی دیگر از فقها رشوه را صرفاً در حکم بیان ننموده اند، همانند شیخ طوسی که می فرماید: « والقاضی بین المسلمین و العامل علیهم یحرم علی کل واحد منهم الرشوه» (طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۵۹ش، ج ۸، ص ۱۵۱) با عنایت به گفته ایشان رشوه انحصاری در مقام قضاوت ندارد بلکه رشوه را گسترده معنی کرده است و عامل مسلمین که ما آنرا کارمند می گوییم را نیز وارد رشوه نموده است و ثانیاً رشوه مربوط به زمانی است که راشی بخواهد حقی را باطل و باطلی را حق جلوه نماید یعنی در صورت اضطرار رشوه اطلاق نخواهد شد.

شاید لازم باشد بگوییم تعبیر ما از عامل به عنوان کارمند را می توان از تشریح نویسنده النهایه متوجه شد که بیان کردند که: عامل به کسی گفته می شود که مسوولیت امور مردم را در مال و کارهایشان برعهده گیرد (ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷ش، ج ۳، ص ۳۰۰)

هم چنین در مجمع البحرین آمده است: عامل به کارمندی اطلاق می شود که زیر نظر حاکم و سلطان کار می کند (طریحی، فخرالدین، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۴۳۱)

همانطور که متوجه شدیم این اختلاف نظر به طور جدی در بیان مفهوم رشوه وجود دارد که ما را به ناچار وادار نمود این اختلافات را بیان کنیم، اکنون به طور مختصر و گذرا نگاه بعضی از فقها را ذکر می کنیم، همانطور که سابق بیان شد این معانی دور از معنای لغوی نمی باشد:

- صاحب سرائر (حلی بن ادریس، ج ۱، ۱۶۶) نظر خود را منطبق با نظر شیخ طوسی می داند
- در کتاب شرح لمعه می خوانیم: « و هو اخذه مالا من احدهما او منهما...» (طباطبایی یزدی، محمد کاظم، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۲۲) رشوه مالی است که قاضی از دو طرف دعوا یا یکی از آن دو یا از شخص ثالثی می گیرد تا به صدور حکم اقدام نماید یا راهگشای یکی از طرفین دعوی باشد. البته شهید ثانی در کتابش، رشوه را به دو وجه (ضم و کسر) ذکر است و وجه سوم را بیان ننموده است (عاملی، زین الدین بن علی، لمعه، ج ۱، ص ۲۳۹)
- مرحوم حاج شیخ محمد حسن نجفی که نویسنده کتاب ارزشمند جواهر الکلام است می فرماید: رشوه مطلق جعل نیست بلکه بین رشوه و جعل عموم من وجه است.
- الرشوه مثله خلاف الجعل کما سلف و هی ما یعطی للحکم حقاً و باطلاً کام هو الحق (مفتاح الکرامه، ج ۳، ۳۸۵)
- در مصباح الفقاهه آیت الله خوئی می گوید: رشوه چیزی است که یک نفر به دیگری می دهد برای بدست آوردن حق یا به کسی نشان دادن باطل یا برای تملق و چابلوسی یا با حيله به خواسته خود رسیدن یا برای کاری می دهند که عقلاً و عرفاً در مقابل آن چیزی دریافت نمی شود.
- امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله و اعتماد کاظمی بیان کرده اند که در اصطلاح فقهی رشوه عبارت است از دادن مالی برای قضاوت ناحق. (خمینی، روح الله، ۱۳۷۷ش، ج ۲، ص ۳۶۶)

لازم است این مورد نیز بیان شود که بعضی از فقها مترادف هایی نیز برای رشوه ذکر کرده اند و رشوه را هم معنی با بعضی از واژه های دیگر می دانند؛ حسن و سعید بن جبیر « سحت » را به رشوه تعبیر کرده است. حدیثی از امیرالمومنین علی (ع) نیز به این مهم اشاره دارد: قال الله تعالی « اکالون السحت » (مأئده، ۴۲)؛ حضرت در تفسیر این آیه شریفه می فرماید: « هو الرجل يقضي لاختيه الحاجه ثم يقبل هديته »، مراد خداوند شخصی است که برای برادرش کاری را انجام میدهد و مشکل آن را حل می کند و در مقابل هدیه او را بپذیرد (مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۴، ص ۲۷۳)

در اصطلاح حقوقی نیز رشوه دادن مالی است به مامور رسمی یا غیر رسمی دولتی به منظور انجام کاری از کارهای اداری یا قضایی اگر چه آن کار مربوط به شغل گیرنده مال نباشد خواه مستقیماً آن مال را دریافت کند یا به واسطه شخص دیگری آن را بگیرد. (قانون مجازات عمومی ماده های ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۷) دکتر جعفر لنگرودی در کتاب ترمینولوژی حقوق راجع به رشوه نیز به مورد فوق اشاره کرده است. (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۰ ش، ص ۳۳۵)

نتیجه آن که با توجه به موارد مذکور و هم چنین مطالبی که در آینده عرضه خواهد شد این صحیح خواهد بود که بدانیم معنای رشوه اعم از قضاوت و قاضی است، چرا که با توجه به نظر علما و هم چنین حقوقدانان معاصر، عاملان و کارکنان نیز درون معنای اصطلاحی رشوه جای خواهند گرفت و موارد موجود در رشوه در مقام قضاوت در مقام غیر قضاوت نیز جاری خواهد شد.

۲-۳- بخش سوم: ادله حرمت رشوه

فقها در مقام بیان حرمت رشوه به چهار اصل متقن استناد می کنند که آن اصول عبارت اند از: کتاب، سنت، اجماع و عقل؛ اکنون در حد بضاعت به شرح موارد فوق می پردازیم:

۲-۳-۱- گفتار اول: کتاب

با نگاهی به آیات الهی و کلام وحی به طور قطع خواهیم دید که از واژه رشوه سخنی به میان نیامده است، اما آیا این عدم بیان کلمه رشوه دلیلی بر حلال بودن آن است؟! بدیهی است موارد بسیار زیادی در مقام تشریح و صدور احکام وجود دارد که عیناً در قرآن کریم به آن اشاره نشده است و انسان را به تدبیر در آن وا می دارد، پس در این بحث نیز با کمی تأمل متوجه خواهیم شد که به طور غیر مستقیم به آن اشاره شده است و با کمی تفکر و رجوع به تفاسیر می توان حکم آن را دریافت نمود. حال به آیاتی که حکم حرمت رشوه را از آنان میتوان دریافت کرد اشاره می کنیم:

- همه می دانیم که رشوه خوردن مال حرام استدر آیه ۱۸۸ سوره بقره می خوانیم:

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ تَدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ تَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»

در کلام الهی آیات متعددی وجود دارد که انسان را از خوردن مال حرام و حتی شبهه ناک منع می کند. در این آیه خوردن مال حرام نهی شده است. پر واضح است که منظور از اموال، اموال دیگری و غیر است. به نظر می رسد مناسب است تعریفی از باطل داشته باشیم: می توان گفت باطل کار و امری است که سرچشمه وجودی آن صحیح و شرعی نباشد. حق استفاده از اموال دیگران دارای چارچوب و حد مرزی است که از قبل ما آنان را می شناسیم مانند: هبه، وقف، صلح و... و می دانیم که رشوه جزء هیچ کدام از این مصادیق جای نمی گیرد. در ذیل آیه فوق آمده است: «و تدلوا الی الحکام» به معنی فرستادن اموال به سوی حکمرانان؛ در این مورد بعضی از فقها صریحاً مفهوم رشوه را دریافت کرده اند (طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۵۵ش، ج ۲، ص ۵۲). رشوه ای که به دولتمردان داده می شود تا اموال مردم را به ناحق نخورند. علامه در تشریح آیه مذکور می گوید: ادلاء مصدر تدلوا به معنای در چاه کردن دلو برای کشیدن آب است و منظور آیه رشوه دادن به حاکم است. پس لازمه حرمت دادن رشوه این است که گرفتن آن نیز حرام باشد (توحیدی، میرزا محمد علی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۲۳۴)

کلمه تدلوا از نظر ادبی دو معنا دارد: اول آنکه عطف بر تاکلوا شده باشد و احتمال دوم آنکه در محل نصب بوده باشد و عامل نصب آن مقدر باشد و واو پیش از آن هم از نوع عطف نبوده است، بلکه معنای مع را می رساند. قرآن کریم در این آیه مسأله رشوه را به خوبی به عنوان امر ناهنجار در حوزه اجتماعی و اقتصادی بیان می فرماید. از دیدگاه خداوند مقدمات عمل رشوه نمی تواند کاری صحیح و شایسته به شمار رود، چرا که هر دو شخص (راشی و مرتشی) به واسطه آن می خواهند از قانون سرپیچی کنند و مهم ترین عاملی که فرد را به این امر وا می دارد سودجویی و زیاده طلبی است.

• در آیه دیگر که خداوند منافقان و علمای یهود را با این آیه توصیف کرده است می خوانیم:

« سَمَاعُو نَلَلْ كَذِبًا كَالْوَنِ لِّلْسَحْتِ فَ اِنْجَاؤُكُمْ كَفَا حُكْمُ بَيْنَهُمْ اَوْ اَعْرَضْتَهُمْ وَاِنْ تَعَرَّضْ عَنْهُمْ فَلْيَضْرِبُوْهُ كَسِيْنًا وَاِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ اِنَّ اللّٰهِيْ حَبِيْبُ الْمُقْسَطِيْنَ » مائده، ۴۲

مراد از کلمه

«سحت» رشوه بود و هو علمای یهود از مردم رشوه می گرفتند تا حکم خدا را تغییر دهند (طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ ق، ج ۵، ص ۳۴۱). سحت معانی مختلفی دارد و با توجه به این معانی لازم است به این نکته توجه کنیم که استفاده مصادیق خاص در روایات مختلف دلیل اختصاص بر آن معنی نیست، حتی اگر نتوان رشوه را همان سحت دانست حتماً رشوه جزء مصادیق بارز آن است و به عبارت دیگر در معنای عام سحت جای می گیرد. مرحوم حر عاملی نیز سحت را رشوه می داند و در بعضی از احادیث از رشوه به عنوان سحت سخن به میان آورده است. (حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۸، ص ۱۳۸ و ۱۶۱)

نظر قابل توجه دیگر منتسب است به فاضل مقداد که می فرماید: در رشوه کارهای ناپسند و زشتی وجود دارد که همه با هم رشوه را تشکیل می دهند، مانند دروغ، خیانت، بی مروتی و... که به همین جهت پیامبر و ائمه اطهار (ع) سحت را مترادف رشوه بیان کرده اند (فاضل سیوری، مقداد بن عبدالله، ۱۴۲۴ ق، ج ۲ ص ۱۲) در این آیه و آیه ۴۱ افراد دخیل در رشوه را به عنوان منافق یاد می کند چرا که دین و اسلام را واسطه اعمال ناپسند خود قرار داده اند. البته در آیات ۶۲ و ۶۳ این سوره نیز به طور جد عاملین بزه رشوه را مورد سرزنش قرار می دهد و مالی که از این